نگاه سبز

پیشنهاد لرزاننده اندام جنگل‌ها

هومان خاکپور
کارشناس منابع طبیعی

● در روز چهارشنبه -۲۷ دی ۱۳۹۱- شاهد سخنانی شگفت‌آور از عالی‌ترین مقام اجرایی کشور در مقابل نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی بودیم که لرزه بر اندام جنگل‌های کشور می‌اندازد!

بدون‌شک پیشنهاد واگذاری جنگل‌ها به دامداران که در راهکارهای چهارگانه اقتصادی رییس‌جمهوری در مجلس، آن‌هم در سال پایانی حکومت هشت ساله‌اش مطرح شد، گواه این حقیقت تلخ است که آموزه‌ها و اصول محیط‌زیستی در برنامه‌های مدیریتی پیش‌رو جایی نداشته و آشکارا تمامی‌یافته‌های متخصصان و اصول فنی در علم جنگلداری نادیده گرفته می‌شود! ماجرای نگران‌کننده‌ای که اضافه بر کارشناسان و دست‌اندرکاران منابع طبیعی، بسیاری از ایرانیان دوستدار طبیعت را نیز دچار حیرت کرده است.

یافته‌های تحقیقاتی و پژوهشی در حوزه جنگل‌های کشور، جملگی حکایت از ایجاد تغییرات اساسی در وسعت و کیفیت توده‌های جنگلی کشور در دهه‌های اخیر داشته که می‌توان این تخریب‌ها و تغییرات پس‌رونده را از پیامدهای اساسی افزایش جمعیت، نگاه معیشتی و بی‌توجهی به ظرفیت محدود تولید این منابع جنگلی دانست که شوربختانه در حال حاضر چنین سرنوشت ناخوشایند و دهشتناکی را بر این اندوخته‌های طبیعی ارزشمند ایرانیان حاکم کرده است.

چرای پرشمار دام در تمامی‌عرصه‌های جنگلی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تخریب مورد تایید و تاکید تمامی کارشناسان و متخصصان حوزه منابع طبیعی کشور است. دام‌های روستاییان در تمام طول سال در عرصه‌های جنگلی حضور داشته و تنها در فصل زمستان در مدت کوتاهی، وجود برف ممکن است مانع از حضور آنها در جنگل‌ها شود و دام‌های عشایری نیز زودتر از آغاز فصل چرا که حدودا اوایل خرداد است، وارد رویشگاه‌های جنگلی شده و خیلی دیرتر و مدتی پس از پایان فصل چرا که اواخر شهریور است، از جنگل خارج می‌شوند.

فراموش نکنیم که ظرفیت تولیدی پوشش گیاهی علفی کف جنگل بسیار محدود بوده و فقط می‌تواند علوفه مورد نیاز تعدادی اندک و معدود از دام‌های دامداران جنگل‌نشین را تامین کند، در حالی‌که اضافه بر تعلیف طولانی‌مدت، تعداد دام چراکننده در این جنگل‌ها بسیار زیاد و چندین برابر ظرفیت تولید علوفه کف جنگل بوده و این علوفه تولیدی درصد ناچیزی از نیاز غذایی دام‌های موجود در جنگل را تولید کرده، بنابراین به‌ناچار بخش اعظمی‌از علوفه موردنیاز این دام‌ها از طریق چرای نهال‌ها یا بذر و برگ درختان و درختچه‌ها تامین می‌شود. ترکیب دام نیز که عموما در روستاها از نوع بز است روند اثرگذاری این عامل تخریبی را تشدید می‌کند.

از بین رفتن نهال‌ها در اثر چرای دام، قطع درختان به صورت سرشاخه‌بری و کمربری برای تهیه علوفه از جمله نشانه‌های آشکار تخریب و جنگل‌زدایی بوده که ناشی از حضور مفرط دام در این عرصه‌های طبیعی است. تعلیف لاشبرگ‌های کف جنگل و میوه درختان یا جمع‌آوری میوه برای تغذیه زمستانی دام، اضافه بر تهدید حیات جانوری جنگل، کاهش بارخیزی خاک و کمبود شدید مواد غذایی، ایجاد کوبیدگی و فشردگی خاک، افزایش میزان هرز آب‌ها، اختلال در چرخه طبیعی زادآوری گیاهی و فقدان تجدید حیات طبیعی جنگل را به دنبال خواهد داشت.

یادمان باشد که در حال حاضر، جنگل‌ها تنها هفت درصد از مساحت کشور را به خود اختصاص داده و سرانه جنگل در کشور ما ۱۷۰۰مترمربع بوده، در حالی که استاندارد جهانی آن ۸۰۰۰ مترمربع است و دولت نیز در سند چشم‌انداز مکلف به افزایش سرانه جنگل و کاهش فاصله با استاندارد جهانی شده است.

و همین‌طور فراموش نکنیم در حالی‌که میانگین راندمان آبیاری در بخش کشاورزی به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب کشور، هنوز در حد ۳۰ الی ۳۵درصد است (میانگین راندمان آبیاری منطقه‌ای و جهانی در حدود ۶۰ تا ۸۰درصد)؛ آیا بهتر نیست به جای آنکه اولویت نخست مدیریت بخش کشاورزی کشور، گسترش افقی و تهیه زمین بیشتر برای این بخش و تغییر کاربری غیرعلمی‌جنگل‌ها و مراتع باشد، نخست به فکر ارتقای نرم‌افزاری بخش کشاورزی بود و پس از آنکه راندمان آبیاری، ضایعات کشاورزی و مصرف کود و سموم شیمیایی‌اش را به سطح استانداردهای جهانی رساند، آنگاه به دنبال تغییر کاربری جنگل‌ها برای دامداری یا کشت دیم در زیراشکوب آنها باشد؟

انتقاد «جامعه جنگلبانی ایران» و «انجمن علمی جنگلبانی» از سخنان احمدی‌نژاد در مجلس

جنگل چراگاه نیست

مژگان جمشیدی

با وجود روند شتاب‌ناک تخریب منابع طبیعی و افت شدید شاخص‌های پایداری زیست‌محیطی کشور در سال‌های اخیر، حالا رییس‌جمهوری در مجلس شورای اسلامی پیشنهاد بهره‌برداری هر چه بیشتر از منابع طبیعی و واگذاری جنگل‌ها و مراتع در شمال و غرب و توسعه اراضی زیر کشت را مطرح می‌کند. احمدی‌نژاد که در نخستین ماه‌های آغاز به‌کارش در کسوت ریاست‌جمهوری و در جریان سفر هیات دولت به خراسان و در جمع مردم شهرستان کلات گفته بود منابع طبیعی نباید سد راه توسعه شود، حالا بعد از گذشت نزدیک به هفت سال از آن زمان، بدون اینکه مدیران و مشاورانش تغییری در باورهای او نسبت به جایگاه ارزشمند منابع طبیعی ایجاد کرده باشند، یکی از چهار راه‌حل اساسی برای برون‌رفت از بحران اقتصادی کشور را استفاده از زمین و اراضی کشور معرفی می‌کند.

رییس‌جمهوری چهارشنبه گذشته در مجلس شورای اسلامی با زیر سوال بردن بزرگ‌ترین طرح‌های ملی در سه دهه گذشته در بحث خروج دام از جنگل و صیانت از جنگل‌های زاگرس که تنها گزینه موجود برای جلوگیری از نابودی جنگل‌ها و مراتع کشور بوده، نه تنها خواستار واگذاری جنگل‌های شمال به دامداران شد بلکه آمار و ارقام اشتباهی را هم در حوزه کشاورزی و منابع طبیعی و جغرافیای کشور ارایه داد که انتقاد بسیاری از محققان و متخصصان منابع طبیعی کشور را هم برانگیخت. اما با این حال هیچ‌یک از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به این بخش از سخنان او که به نوعی چوب حراج به منابع ملی و طبیعی کشور بود خرده نگرفتند و بی‌توجه به این سخنان از کنار آن گذشتند.

اگرچه این نخستین‌بار نیست که او اینچنین برای منابع طبیعی کشور تصمیم می‌گیرد و پیش از این نیز پیشنهاددهنده اجرای طرح‌های دیگری از جمله طرح باغشهرها، باغ ویلا و بوستان خانواده بوده اما به گفته کارشناسان همین سخنان او در برخی موارد به رغم مخالفت‌های آشکار متخصصان منابع طبیعی و حتی ابراز نگرانی رهبر معظم انقلاب مبنی بر واگذاری اراضی ملی، به طرح‌های اجرایی هم تبدیل شده و در برخی موارد هم باعث سوءاستفاده فرصت‌طلبان و متصرفان اراضی ملی شده است.

برای نمونه می‌توان به اظهارات رییس‌جمهوری در تابستان ۱۳۸۵ در شهرستان کلات در مورد ذخیره‌گاه جنگلی ارس هزار مسجد که غنی‌ترین جنگل‌های ارس ایران را در خود جای داده و با وجود وسعت ۶۸۰۰ هکتاری‌اش با بودجه ۱۱ میلیون تومانی حفظ می‌شد! اشاره کرد. به گفته مسوولان منابع طبیعی استان خراسان در فاصله کمتر از چند روز از سخنان رییس‌جمهوری مبنی بر اینکه منابع طبیعی نباید سد راه توسعه شود بیش از ۴۰ هکتار از جنگل‌های ارس مورد هجوم فرصت‌طلبان قرار گرفت و شخم زده شد و سودجویان حتی به ماموران و حتی معاون حفاظت اداره منابع طبیعی حمله کردند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند که اگر حمایت دادگستری شهرستان کلات و دادستان این شهر از منابع طبیعی نبود شاید جنگل بیش از این نابود شده بود.

دکتر «کیا دلیری» مدرس دانشگاه و رییس انجمن علمی جنگلبانی ایران با ابراز تاسف از اظهارات رییس‌جمهوری به «شرق» می‌گوید: اینکه ایشان مدعی شدند جنگل‌های بلوط زاگرس رها شده و هیچ استفاده‌ای از آن نمی‌شود اصلا صحیح نیست. می‌خواهم بگویم تا شما استفاده را چی بدانید؟ بله ما می‌توانیم همه جنگل‌های شمال و غرب ایران را پاکتراشی کنیم و چوبش را بفروشیم و در عوض به جای آن کارخانه بزنیم و بعد هم مدعی شویم نهایت استفاده را از جنگل بردیم. اما آیا این عقلانی است؟ اگر از جنگلی چوبی برداشت نمی‌کنیم این به این معنی است که پس جنگل رها شده است؟

این مدرس دانشگاه در ادامه می‌افزاید: متاسفانه وضعیت جنگل‌های غرب ایران به مراتب بدتر از شمال کشور شده و دخالت‌های انسانی بسیار زیاد شده که علت اساسی آن هم توسعه اراضی زیر کشت در جنگل و دامداری است و برای همین سازمان جنگل‌ها مجبور شده در سال‌های اخیر کارهای حفاظتی در این مناطق را انجام دهد که البته این امر هم مورد حمایت دولت قرار نمی‌گیرد و عمدتا از کمترین بودجه و اعتبارات برخوردار است.

کیا دلیری افزود: نباید به جنگل‌های ایران که در مقایسه با دیگر کشورها بسیار اندک و ناچیز هستند به چشم چراگاه و کارخانه چوب نگاه کنیم. امروز جنگل‌های زاگرس منبع ۴۰ درصد آب‌های کشور است چون این اراضی ده‌ها برابر زمین‌های کشاورزی قادرند آب را در خود نگه دارند اما بی‌توجه به کارکردهای اساسی جنگل در حفظ آب و کنترل فرسایش خاک و تعدیل اقلیم و حفظ تنوع زیستی فقط به این می‌اندیشیم که چه کنیم در کمترین زمان بیشترین پول را از جنگل درآوریم.

وی افزود: توسعه بی‌رویه کشاورزی و تخریب جنگل در غرب کشور باعث شده تا امروز نرخ فرسایش خاک در این منطقه ۲۵ تن در هکتار باشد که از این نظر در جهان هم رتبه اول را داریم. چون پوشش گیاهی را از بین بردیم این اشتباه است که فکر کنیم با توسعه اراضی زیر کشت می‌توانیم به توسعه پایدار برسیم. بروید کشاورزان را توانمند کنید و هزینه تولید را پایین بیاورید نه اینکه جنگل و مرتع را هم زیر کشت ببرید. گیریم همه جا را زیر کشت بردید، روند مهاجرت روستاییان به سمت شهرها را چطور کنترل می‌کنید؟ مگر نه اینکه امروز هزاران هکتار زمین کشاورزی مرغوب رها شده و ساکنان‌شان به شهرها مهاجرت کردند؟

وضعیت بحرانی جنگل های بلوط

رییس انجمن علمی جنگلبانی ایران با بحرانی خواندن وضعیت جنگل‌های بلوط غرب گفت: امروز جنگل‌های غرب ایران از حالت دانه زاد خارج شده و قدرت زادآوری خود را از دست داده، چون حضور ۶ میلیون دام - که ۲/۲ برابر حد مجاز است - و کشاورز در جنگل مجال نمی‌دهد که دانه بلوطی رشد کند بنابراین بزرگ‌ترین اشتباه این است که به جای کمک به زادآوری جنگل تازه بیاییم پیشنهاد برداشت دانه بلوط را هم بدهیم.

وی افزود تصور کنید این دام‌ها روزی فقط دو نهال را بخورند بنابراین سالانه دو میلیارد نهال توسط دام‌ها خورده می‌شود. می‌دانید هزینه تولید این نهال‌ها چند میلیارد بوده است؟

وی افزود: یک روز می‌آییم می‌گوییم ۵۰۰ میلیون نهال بکاریم و روز بعد می‌آییم پیشنهاد می‌دهیم جنگل را به دامداران بدهیم یا زیر کشت ببریم. این تناقض‌گویی‌ها در سخنان ایشان را واقعا درک نمی‌کنم.

این کارشناس می‌افزاید: به صراحت باید بگویم جنگل‌های ما در مقایسه با دنیا، حتی به اندازه پشت ناخن هم نیست. کل جنگل‌های شمال ایران به اندازه یک پارک ملی در کانادا هم نیست. یا حتی قابل مقایسه با کشور دوست و همسایه‌مان روسیه هم نیست. در حالی که روسیه ۷۰۰ میلیون هکتار جنگل دارد. متاسفانه توسعه امروز در کشور ما شده رمز شب و بدون اینکه معنی واقعی توسعه را درک کرده باشیم به بهانه هر گونه‌ای توسعه‌ای از جنگل و مرتع می‌خواهیم هزینه کنیم.

او تصریح می‌کند: هر زمان آمایش سرزمین به معنای واقعی کلمه در کشور پیاده و اجرا شد می‌توان برای کاربری اراضی تصمیم گرفت در غیر این صورت نمی‌توان از بستر حیات برای هر کاربری مایه گذاشت.

این مدرس دانشگاه با انتقاد از مدیران دولتی در عدم ارایه آمار و ارقام درست به رییس‌جمهوری و مقابله با طرح‌های مخرب منابع طبیعی گفت: مرگ هر بوته مرگ هر انسان است. اگر واقعا کارشناسان به فکر منابع طبیعی کشور هستند باید نظرات کارشناسی خود را در هر کسوتی که هستند بگویند نه اینکه بی‌تفاوت از کنار این سخنان بگذرند یا سکوت اختیار کنند. چون امروز منابع طبیعی ما در وضعیتی نیست که بتوانیم بیش از این از کنار این تخریب‌ها بگذریم.

بازگشت به دوره‌های غارنشینی

در همین حال کاظم نصرتی، موسس و عضو هیات مدیره جامعه جنگلبانی ایران درباره سخنان هفته گذشته رییس‌جمهوری می‌گوید: صحبت‌های ایشان در مورد منابع طبیعی اصلا مبنای علمی و کارشناسی نداشته و مطابق معمول به صورت محاسبات سرانگشتی که عمدتا در سخنرانی‌هایشان دارند مطرح شده و البته انتظار هم نیست که اجرایی شود ولی گاهی همین سخنان منابع طبیعی مملکت را با مشکلاتی مواجه می‌سازد همان‌طور که یک‌بار در جریان سفر دولت به خراسان جنوبی و در بیرجند همین اتفاق افتاد و همکاران ما سال‌ها تلاش کردند تا تاغزارهای این منطقه را که در نتیجه یک سخنرانی در حال نابودی بود دوباره حفظ و احیا کنند. نصرتی که در ابتدای دهه ۸۰ خود معاون جنگل‌های شمال در سازمان جنگل‌ها و مراتع ایران بوده می‌افزاید: اصولا دامداری با جنگلداری دو علم کاملا مغایر با هم هستند و در گذشته هر وقت این دو با هم همنشین شدند یکی بر دیگری غلبه کرده و دیگری را از بین برده است. اما نکته بعدی اینکه اصلا در کف جنگل‌های بکر که علوفه‌ای وجود ندارد تا دام چرا کند چون نور به کف جنگل نمی‌رسد؛ بنابراین اگر هم جایی دام در جنگل است و علوفه برای چرا دیده می‌شود بدانید آنجا جنگل تخریب شده است آن هم نه تخریب طبیعی، بلکه تخریب انسانی و در چنین جنگلی هم باید تلاش شود تا احیا شود نه اینکه بیشتر به روند تخریبش دامن بزنیم. برای همین بود که سازمان جنگل‌ها با توجه به بروز چنین روندی در جنگل‌های ایران به سمت خروج دام از جنگل و تغییر سیستم دامداری از سنتی به صنعتی و حفاظت از جنگل‌ها رفت. از سوی دیگر هر گونه صدور پروانه چرا در جنگل هم با علم مغایر است هم با قانون.

وی افزود: طرح خروج دام از جنگل از سال ۱۳۶۵ در ایران کلید خورد که اگر دولت‌ها به درستی از این طرح حمایت کرده بودند الان به صورت کامل اجرایی شده بود ولی متاسفانه این اتفاق نیفتاد و به دلیل کسری اعتبار این طرح هنوز به اتمام نرسیده اما بروید جایی را که طرح به درستی اجرا شده در جنگل‌های شمال ببینید و ببینید چطور جنگل بعد از خروج دام کاملا احیا شده است؟

عضو هیات موسس جامعه جنگلبانی ایران همچنین افزود: اینکه عرصه جنگل را حالا بعد از این همه سال بیاییم واگذار کنیم به اعتقاد من یک کد انحرافی است که باید معلوم شود چه کسانی این اطلاعات غلط را به رییس‌جمهوری می‌دهند وگرنه آقایان باید بگویند رقم شش میلیون‌هکتار جنگل زاگرس و تولید سالانه شش میلیون تن بلوط از کجا و توسط چه مرجعی به ایشان داده شده چون اصلا صحت ندارد و کاملا اشتباه است. وی افزود: رییس‌جمهوری اشاره داشتند که مساحت کشور ما ۱۸۷ میلیون‌هکتار است در حالی که اشتباه است و همیشه رقم ۱۶۵ میلیون‌هکتار و اخیرا هم ۱۶۷ میلیون‌هکتار عنوان شده، همین طور دیگر ارقامی که ایشان از سطح جنگل‌ها و مراتع و مزارع گفتند اشتباه بود. درباره توسعه نیافتگی بخش کشاورزی هم همین بس که هنوز نه آمار سطح زیر کشت را داریم و نه تعداد بهره‌برداران و نه...؛ بنابراین اطلاعات غلط مبنای سیاستگذاری‌های غلط می‌شود و سیاست‌های غلط مبنای طرح‌های غلط و این نتیجه برخوردهای سطحی با موضوعات تخصصی همچون منابع طبیعی است و من متعجبم که چطور ۳۰۰ نماینده در مجلس این سخنان را می‌شنوند و انتقاد نمی‌کنند.

وی می‌افزاید: متاسفانه امروز بخش کشاورزی ما به روزمرگی دچار شده، اینقدر که حتی اختیار ندارد ساختمانش را حفظ کند و بعد از این همه سال حتی ساختمانش را هم می‌فروشند حالا چه برسد به اراضی ملی و منابع طبیعی که همیشه در پله آخر این مجموعه قرار داشته است.

نصرتی در ادامه افزود: رها کردن دام در جنگل به سبک دوره‌های غار نشینی یک اشتباه محض است و تخریب جنگل را بیشتر می‌کند چه در شمال و چه در غرب. جنگل‌های غرب ایران هم به قدر کافی در نتیجه شخم‌وشیار بیش از حد در جنگل و حضور دامدار و اجرای طرح‌های عمرانی بدون مطالعات زیست‌محیطی آسیب دیده است. از سوی دیگر پدیده خشکسالی و تغییر اقلیم هم در چند سال اخیر مزید بر علت شده تا مرگ درختان بلوط بیش از پیش و زودتر رقم بخورد. در چنین شرایطی بذری در جنگل وجود ندارد که جنگل زادآوری‌اش را حفظ کند حالا چه رسد به اینکه بذرش را جمع‌آوری هم بکنیم.

وی افزود: متاسفانه بخش منابع طبیعی ما از کارشناس خبره تهی شده و این یکی از دلایلی است که هر کسی از راه می‌رسد راجع به این حوزه آمارسازی و نظریه‌پردازی می‌کند و از کانال‌هایی این آمارها و اطلاعات را به رییس‌جمهوری می‌دهند و ایشان هم در سخنرانی‌هایشان مطرح می‌کنند. در حالی که غافل هستیم که شاید این سخنان فقط برای زمان انتخابات جذاب باشد. بنابراین خواهش من از مدیران سازمان جنگل‌ها و کارشناسان این است منافع ملی و منابع طبیعی مملکت را قربانی این جریانات انتخاباتی نکنند و فارغ از این هیاهوها، صرفا کارشناسی‌شده نظر بدهند و اجازه ندهند هر کسی با دادن اطلاعات غلط به رییس‌جمهوری، فضا را از آن خود کند و تیشه به ریشه منابع ملی‌مان بزنند.

طرح: آروین

ادامه از صفحه اول

توسعه سطح زیر کشت یا تخریب منابع طبیعی؟

کدام‌یک برای اقتصاد بلندمدت و منافع ملی سودمندتر هستند؟ یا اینکه هیچ‌گاه مشخص نمی‌شود یک منطقه رویشگاه و زیستگاه یک گونه نادر گیاهی یا جانوری است که حق حیات دارد و شاید در آینده دردی از دردهای بشر را درمان نماید؛ بنا بر این به نظر می‌رسد با لحاظ کردن معیارهای اقتصاد اکولوژیک و منافع بلندمدت، رقم ۲۷ میلیون‌هکتار نیاز به بازبینی مجدد داشته باشد.

۲- ایشان گفتند می‌شود خدا زمین حاصلخیز خلق کند و آب ندهد. بله! خلقت خدا و معجزات الهی خیلی عمیق‌تر و شگفت‌انگیزتر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد. گاهی خدا زمین حاصلخیزی خلق می‌کند و آب نمی‌دهد؛ چرا که می‌خواهد گیاهان خاصی در آنجا برویاند که نیاز کمی به آب داشته و با مقدار ناچیزی آب زندگی کنند. این گیاهان خودرو با داشتن سازگاری کامل با شرایط دشوار محیط زندگی خود، نقش و وظایف خود را در اکوسیستم به نحو احسن ایفا می‌کنند؛ گیاهانی که با کمترین امکانات، وظیفه مهم و زیربنایی تولید اکسیژن و جذب دی‌اکسیدکربن را به انجام می‌رسانند و به این ترتیب به انسان خدمت می‌کنند؛ خدمتی که اگر مدتی کوتاه متوقف شود، اکسیژنی نخواهد بود و انباشت دی‌اکسیدکربن به معنای پایان زندگی بشر روی کره زمین خواهد بود. بنا بر این تولید یک زمین، فقط کشاورزی نیست، پوشش گیاهی طبیعی با کمترین هزینه، بیشترین تولید را در پی دارد و این معجزه خلقت است. هنگامی که به اندازه کافی آب در اختیار نداریم و دست به افزایش سطح زیرکشت می‌زنیم، علاوه بر نابودی ظرفیت طبیعی و خداداد اراضی، مجبور هستیم از سهم دیگر موجودات نیز استفاده کنیم و این می‌شود خشکی دریاچه ارومیه، خشکی زاینده رود و از بین رفتن اکوسیستم‌های رودخانه‌ای و تالابی کشور. اگر جایی زمینی هست اما آب نیست، پس ضرورتی ندارد به هر قیمتی آبی به آنجا رساند و کشتی کرد. گاه حفظ پوشش گیاهی طبیعی یک مرتع یا بیابان، بهترین کار ممکن است و بیشترین سود را به انسان می‌رساند. بنا بر آنچه تشریح شد این سوال مطرح می‌شود که آیا بهتر نیست به جای افزایش قابل توجه و ناگهانی سطح زیر کشت که مستلزم از دست دادن منابع طبیعی و دگرگونی‌های وسیع در نظام‌های زیستی و هیدرولوژیک کشور است، به فکر افزایش عملکرد در واحد سطح باشیم و اراضی کشاورزی کم بازده و متروکه موجود را احیا و به تولید موثر برسانیم؟ یادمان باشد منابع طبیعی، جنگل‌ها، مراتع و معادن فقط متعلق به نسل ما نیستند و باید چیزی از آنها برای نسل‌های آینده نیز باقی بماند.